

مقاله علمی

نقش سرمایه اجتماعی در ماندگاری و کارآمدی صندوق‌های

قرض الحسنه غیررسمی خانگی با عاملیت زنان

روح‌اله نصرتی^۱، دورنا احمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۳ تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

چکیده

در چند دهه گذشته در ادبیات توسعه علاقه به صندوق‌های مالی خرد جهت تأمین منابع مالی با هدف کاهش فقر و اشتغال به ویژه در کشورهای توسعه‌نیافته مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع در ایران دارای پیشینه قدیمی بوده و در طول سالیان دراز همیشه صندوق‌های قرض الحسنه وجود داشته و کارکرد اجتماعی و اقتصادی مؤثری به ویژه در تأمین مایحتاج ضروری افراد جامعه ایفا داشته‌اند. در پژوهش حاضر تلاش شده است به این سؤال پاسخ داده شود که کدام مؤلفه‌های اجتماعی باعث ماندگاری و کارآمدی صندوق‌های خانگی در جامعه شده است. پیش‌فرض نظری این بوده که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نقش بسیار مهمی در ایجاد و تداوم فعالیت این صندوق‌ها داشته است. در پژوهش حاضر با روش کیفی و به صورت موردی دو صندوق خانگی انتخاب شده و با ۴۳ نفر از مردان و زنان عضو این صندوق‌ها به طور عمیق مصاحبه شده است. داده‌ها در چارچوب روش کیفی نظریه زمینه‌ای کدگذاری و تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد این صندوق‌ها برآمده از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی هستند و با کارکردهای مؤثر، نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در اجتماعات محلی ایفا می‌کنند. این صندوق‌ها عموماً با محوریت زنان تشکیل شده است. مجموع شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای شکل‌گیری این صندوق‌ها در ارتباط با مقوله جنسیت قابل تبیین است و نقش متغیر جنسیت در این زمینه گویا است.

کلیدواژه‌ها: صندوق اعتباری خرد، صندوق قرض‌الحسنه، سرمایه اجتماعی

۱ استادیار گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

r.nosrati@ut.ac.ir

dorn.ahmadi@ut.ac.ir

۲ کارشناسی ارشد انسان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

در ایران در طی چند دهه گذشته نهادهای رسمی در قالب صندوق‌های قرض‌الحسنه و بانک‌های اعتباری با هدف ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه شکل گرفته و تعدادی از آنها به دلایل کژکارکردی منحل و ورشکست شده یا اینکه در چارچوب ضوابط نهادی، امکان تداوم فعالیت به صورت قرض‌الحسنه را نداشته و با نام‌های قرض‌الحسنه در چارچوب ضوابط حاکم بر ارائه تسهیلات بانکی به ویژه در ارتباط با تعیین نرخ سود یا بهره به فعالیت خود ادامه داده‌اند. همین فرایند باعث شده است در بخشی از جامعه با ساختار نظام و مناسبات اجتماعی محلی، خانواده و خویشاوندگرایی علاقه و میل به سمت ایجاد نهادهای غیررسمی در قالب صندوق‌های اعتباری خرد شکل بگیرد و صندوق‌هایی با سازوکارهای محلی و ضوابط غیررسمی و مبتنی بر اعتماد ایجاد شود.

افراد به صورت آگاهانه و داوطلبانه از طریق ایجاد و بسط فرهنگ قرض‌الحسنه خانوادگی و تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد، نقش مؤثری در رفع مشکلات اقتصادی خود داشته و با ایجاد شبکه‌ای پایدار و متعادل با نظام و مناسبات اجتماعی غیررسمی، تاب‌آوری اجتماعی را در مقابل شرایط اضطراری اقتصادی فراهم کرده‌اند. شالوده اصلی اینگونه صندوق‌های اعتباری خرد و صندوق‌های خانوادگی، سرمایه اجتماعی بوده که هم عامل و هم نتیجه شکل‌گیری این صندوق‌ها بوده است. سرمایه اجتماعی از یک طرف عامل شکل‌گیری و تداوم اینگونه صندوق‌ها بوده و از طرف دیگر، تعاملات و مناسبات درون این صندوق‌ها و کارکردهای آن به تحکیم و تقویت سرمایه اجتماعی کمک کرده است.

فرهنگ‌های مختلف سرمایه اجتماعی را به شیوه‌های مختلف نمایش می‌دهند. برای برآورده کردن نیازها و اجبارهای مختلف زندگی در شرایط محیطی و فرهنگی مختلف، شکل‌های مختلف فعالیت انسانی ایجاد می‌شوند. شبکه‌ها، نقش‌ها، قوانین، رویه‌ها، سوابق، هنجارها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و باورهای مردمی که دارای الگوهای زندگی متفاوت هستند، با یکدیگر تفاوت دارد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۴۸۱).

صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی با تقویت سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی، الگویی بومی از سازوکارهای اجتماع محلی هستند که با هدف حل مشکلات افراد عضو در سطح زندگی روزمره و با مشارکت همه اعضا شکل گرفته و به دلیل کارکردهای مؤثر تداوم یافته‌اند.

ظهور و شکل‌گیری این صندوق‌ها در بین مردم و در مقیاس اجتماع محلی را می‌توان به عنوان سازوکار جامعه محلی در ایمن‌سازی خود در مقابل روند رو به رشد منطق بازار با محوریت دو عنصر رقابت و اخذ بهره مضاعف تلقی کرد.

بدین ترتیب با محوریت عنصر کلیدی سرمایه اجتماعی می‌توان این سؤالات را در ارتباط با تداوم و کارکردهای این صندوق‌ها مطرح کرد:

سرمایه اجتماعی چه نقشی در شکل‌گیری صندوق‌های خانوادگی دارد؟

سرمایه اجتماعی چه نقشی در تداوم فعالیت‌های این صندوق‌های خانوادگی دارد؟

سرمایه اجتماعی چه نقشی در مدیریت و سازوکارهای درونی این صندوق‌های خانوادگی دارد؟

در پژوهش حاضر، با استفاده از منطق روش تئوری داده‌بنیاد به دنبال کشف مؤلفه‌های سازنده سرمایه اجتماعی صندوق‌های اعتباری خرد و خانوادگی به عنوان شکلی از گروه‌های غیررسمی مولد سرمایه اجتماعی هستیم.

پیشینه تحقیق

سابقه و پیشینه پژوهش حاضر را می‌توان در زمینه صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی و سرمایه اجتماعی بررسی کرد.

صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی کمتر موضوع پژوهش‌های علوم اجتماعی بوده است. بیشتر پژوهش‌ها در چند دهه گذشته در ارتباط با مفهوم اعتبارات خرد یا تأمین منابع مالی خرد بوده است. اگرچه صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی را می‌توان شکل ساده‌تری از منابع تأمین مالی خرد در نظر گرفت، اما دارای ساختار و کارکرد متفاوت از اعتبارات خرد هستند. این صندوق‌ها به صورت غیررسمی و با کمک خود اعضا شکل گرفته و ضوابط گاه نانوشته‌ای بر آن حاکم است. مصرف منابع آن شناور است و در امور مختلف و بر اساس صلاحدید و تشخیص وام‌گیرنده هزینه می‌شود. بنابراین اهداف پیش‌بینی شده برای مصارف اعتبارات خرد - که عمدتاً در زمینه راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک است - در ارتباط با اهداف تسهیلات صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی عمومیت ندارد.

پژوهش‌های پیشین در زمینه اعتبارات خرد بیشتر با هدف ارزیابی تأثیرات این الگو در کاهش فقر، توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر، اشتغال و کارآفرینی و توسعه روستایی انجام

شده است. برای نمونه می‌توان پژوهش‌های اعتبارات برای کاهش فقر روستایی بنگلادش (hossain, 1988) امور مالی مبارزه با فقر (hume & mosley, 1996) وام خرد کمک به کسب و کارهای کوچک (Reed & David, 1994)، آثار اشتغال برنامه‌های مالی خرد (khandker and et al, 1998) تأثیرات اعتبارات بر تولیدات روستایی نیکاراگوئه (carter, 1989) را نام برد. از منظر موافقان و منتقدان این الگو دارای آثار مثبت و منفی بوده است. از منظر موافقان، اجرا و پیاده شدن این الگو باعث کاهش فقر و توانمندسازی افراد آسیب‌پذیر شده و به تبع آن شاخص‌های توسعه انسانی به ویژه در ارتباط با آموزش و بهداشت بهبود یافته است. همچنین منجر به تعدیل نابرابری‌های درآمدی ناشی از جنسیت شده است. از منظر منتقدان، اجرای این الگو نه تنها منجر به افزایش درآمد نشده، بلکه خانواده‌های فقیر را در دام بدهی انداخته است. در ایران در ارتباط با صندوق‌های خانوادگی می‌توان پژوهش سهیلا علیرضانژاد (۱۳۹۲) را نام برد که در پژوهش خود چهار نوع از صندوق‌های غیررسمی قرض‌الحسنه (صندوق‌های خانوادگی، صندوق‌های اداری، صندوق‌های وابسته به مساجد، حسینیه‌ها و صندوق‌های حمایتی زنان در بخش غیررسمی) را شناسایی کرده که نقش مؤثری در توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان داشته است. این صندوق‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری شبکه حمایتی زنان، توانمندسازی آنها و تقویت اعتماد به نفس آنها داشته است.

در ارتباط با سرمایه اجتماعی و نقش و اهمیت آن در توسعه در چند دهه گذشته ادبیات زیادی نوشته شده و از سرمایه اجتماعی به عنوان یک سازه نظری برای تبیین پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی استفاده شده است که امکان بیان همه این پژوهش‌ها در این بخش میسر نیست و تلاش شده است فقط نتایج پژوهش‌های مرتبط با موضوع بیان گردد. بر اساس پژوهش‌های پیشین میان اعتماد اجتماعی و روحیه کارآفرینی زنان روستایی (فیروزآبادی و نصراللهی وسطی، ۱۳۹۳) رابطه وجود دارد. همچنین تعهد دینی، سطح تحصیلات، مشارکت رسمی یکی از اعضای خانواده، نسل و جنس از مهمترین عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است (ناطقپور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴). بر اساس نتایج این پژوهش (همان) می‌توان گفت که افراد با میانگین سنی ۵۱ سال از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند. سطح تحصیلات و آموزش با مشارکت غیررسمی خیریه‌ای و مذهبی رابطه معکوس دارد. آگاهی و توجه و مشارکت رسمی به گونه معناداری در بین مردان بیشتر از زنان است. دین‌باوری با اعتماد نهادی، مشارکت

غیررسمی خیریه‌ای، مذهبی و همیارانه و سرمایه اجتماعی همبستگی مستقیم دارد. در حالی که افراد دارای تعهد دینی بیشتر، میانسالان، زنان و غیرمهاجران بیشترین مشارکت غیررسمی شامل مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مذهبی و همیارانه را دارند.

نتایج پژوهش‌ها (باقری و همکاران، ۱۳۹۷) نشان می‌دهد که صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی در توانمندسازی زنان روستایی نقش مؤثری دارد و تشکیل این صندوق‌ها و عضویت در آن‌ها، می‌تواند به درآمدزایی و سهیم شدن زنان در دارایی‌های خانواده، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، بهبود باورهای عمومی به زنان، حفظ و تداوم کار گروهی و گسترش آن به امور دیگر منجر شود. بنابراین صندوق‌های فوق با بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در توانمندسازی آنان کارآمد هستند. میرزایی نیز در پژوهش خود نشان داد صندوق‌های قرض‌الحسنه مردمی به عنوان الگویی از یک سازمان حمایت اجتماعی غیررسمی مردمی با الهام از شرایط فرهنگی و مذهبی نقش مؤثری در رفع مشکلات مردم و همبستگی و اتحاد اعضا صندوق دارند (میرزایی، ۱۳۸۸).

طی ادوار گذشته در متن جامعه ایران «سرمایه اجتماعی حاصل از پیوندهای خونی، تباری از یک سو و سرمایه اجتماعی حاصل از تعلق همگانی به مذهب با مجموعه‌ای از ارزش‌های آن جهانی از سوی دیگر، در سطح بالایی قرار داشته است» (پیران، ۱۳۹۲: ۲۳). همچنین با توجه به نتایج برخی تحقیقات که طی چند دهه اخیر انجام شده است، می‌توان استنباط کرد که صندوق‌های قرض‌الحسنه در جامعه ایرانی ریشه فرهنگی کهنی دارد و سینه به سینه به عنوان یک سازوکار غیررسمی در جامعه کارکردهای مهم اجتماعی داشته است که از جمله آن‌ها می‌توان رفع مشکلات معیشتی، تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، وحدت و انسجام اجتماعی، تحکیم رابطه مودت و دوستی و تقویت انگیزه منافع جمعی را نام برد.

ابعاد مفهومی سرمایه اجتماعی

کلمن و پاتنام (نظریه‌پردازان اصلی سرمایه اجتماعی)، از گلن لوری، به عنوان واژه‌ساز سرمایه اجتماعی یاد کرده‌اند. گلن لوری در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل توسعه اقتصاد درون‌شهری از اصطلاح سرمایه اجتماعی استفاده کرد (مصطفوی، ۱۳۸۷: ۱۲) و از آن پس بررسی‌های جامعه علمی برای کاوش بهتر این مفهوم آغاز شد. ایده سرمایه اجتماعی در گفتمان‌های توسعه در

دهه‌های متأخر به کار گرفته شد. بنابراین بر اساس مفهوم‌سازی مجدد در پارادایم جدید توسعه، سه فرایند سرمایه اجتماعی، دموکراسی مشورتی و توانمندسازی مورد توجه قرار گرفته است. اولین تلاش‌ها راجع به جایگاه سرمایه اجتماعی در توسعه در دهه ۹۰ انجام شد. این مفهوم پیچیده و مهم، امروزه به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه در هر جامعه‌ای مطرح است. بدین ترتیب توجه به ارزش‌های اخلاقی، روابط اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، و مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه در اولویت قرار گرفت. تعبیرهای مختلفی از سرمایه اجتماعی در رویکردهای نظری جامعه‌شناسی بیان شده است. فوکویاما سرمایه اجتماعی را از منظر ارزش‌های اجتماعی و عاملیت آنها در خلق رونق اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد (حسینی، ۱۳۸۶). پاتنام سرمایه اجتماعی را در رابطه با نهادهای دموکراتیک و توسعه اقتصادی مطرح کرده و آن را به صورت اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها به عنوان تسهیل‌کننده همکاری برای منفعت متقابل تعریف کرده است. وی با تأکید بر هنجارهای مشارکت مدنی اضافه می‌کند که این منابع (شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد) در جوامع مدنی خصلتی خودتقویت‌کننده دارند و باعث ارتقای همکاری، مشارکت مدنی، اعتماد متقابل و رفاه اجتماعی می‌شوند. شبکه‌های مشارکت یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی هستند و هر چه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است. شبکه‌های مشارکت مدنی، هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله‌ای افزایش می‌دهند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۰-۲۹۷).

در نگاه جیمز کلمن، سرمایه اجتماعی بر مبنای کارکرد آن تعریف می‌شود. وی معتقد است سرمایه اجتماعی ذات واحدی نیست، بلکه مجموعه‌ای از ذات‌های گوناگون است که دو عنصر مشترک دارند: اولاً همه آنها مشتمل بر جنبه‌ای از ساختارهای اجتماعی‌اند، دوم اینکه برخی کنش‌های خاص کنشگران را در داخل محدوده ساختار تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه، مولد است، یعنی تحقق اهداف معینی را که در نبودش محقق نمی‌شوند، امکان‌پذیر می‌کند. سرمایه اجتماعی بر خلاف سایر اشکال سرمایه، به طور ذاتی در ساختار روابط کنشگران با هم و رابطه بین آنها حضور دارد. این سرمایه در خود کنشگران نهفته نیست (کلمن، ۱۳۸۴). همچنین سرمایه اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشمگیری برخوردار است، همکاری آسان‌تر است (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۶۱).

بدین ترتیب در پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی بر مجموعه ارزش های اخلاقی، هنجارها، روابط مبتنی بر اعتماد، تعاون و همکاری متقابل، شبکه ها، تعاملات، اجتماعات، انجمن ها و مؤسساتی دلالت دارد که به واسطه هنجارها و ارزش های مشترک شکل گرفته و موجب گرمی اجتماع انسانی شده و کنش متقابل اجتماعی را تسهیل و بر اساس همین ویژگی ها امکان تداوم و ماندگاری نهادهای شکل گرفته از جمله صندوق های قرض الحسنه خانوادگی را فراهم می کنند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با روش نظریه پردازی داده بنیاد انجام شده است و جامعه مورد مطالعه، زنان و مردان عضو دو صندوق خانگی هستند. این صندوق ها با مشارکت خود افراد عضو ایجاد شده اند و با سازوکارهای غیررسمی در عین حال منضبط اداره می شوند. نمونه مورد مطالعه ۴۳ نفر از زنان و مردان هستند که با روش نمونه گیری نظری و بر اساس ایده اشباع نظری انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفته اند.

جدول (۱): ویژگی عمومی مشارکت کنندگان

ردیف	نام و نام خانوادگی	جنس	سن	شغل	تحصیلات	وضعیت مسکن
۱	م. ر	زن	۶۰	خانه دار	راهنمایی	شخصی
۲	ر. الف	زن	۵۱	خانه دار	ابتدایی	شخصی
۳	ر. ع	زن	۶۲	خانه دار	ابتدایی	شخصی
۴	ش. ح	زن	۲۷	معلم	لیسانس	استجاری
۵	ر. الف	زن	۵۲	خانه دار	ابتدایی	شخصی
۶	ر. ع	زن	۴۲	خانه دار	راهنمایی	شخصی
۷	س. الف	زن	۲۵	خانه دار	دیپلم	شخصی
۸	ل. الف	زن	۴۴	مغازه دار	دیپلم	شخصی
۹	س. ب	زن	۵۵	خانه دار	ابتدایی	شخصی
۱۰	الف. س	زن	۳۰	کارمند	فوق لیسانس	شخصی
۱۱	الف. ق	زن	۳۶	کارشناس بیمه	لیسانس	شخصی
۱۲	ف. ح	زن	۴۲	کارمند دانشگاه	راهنمایی	شخصی
۱۳	ش. ع	زن	۵۹	خانه دار	ابتدایی	شخصی
۱۴	ه. ب	زن	۳۸	خانه دار	ابتدایی	شخصی
۱۵	ر ب	زن	۴۰	خانه دار	راهنمایی	شخصی
۱۶	م. ج	زن	۳۱	راننده سرویس مدرسه	دیپلم	شخصی

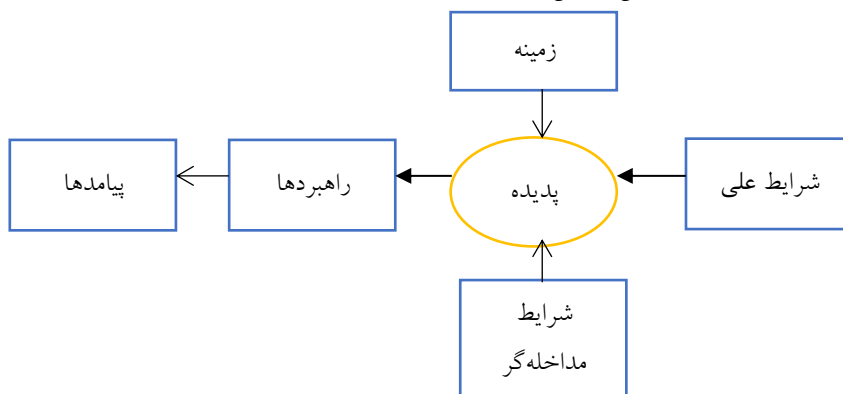
ردیف	نام و نام خانوادگی	جنس	سن	شغل	تحصیلات	وضعیت مسکن
۱۷	الف.ع	زن	۴۲	خانه‌دار	ابتدایی	شخصی
۱۸	ف.س	زن	۲۹	حسابدار شرکت	فوق لیسانس	شخصی
۱۹	س.ف	زن	۴۳	مغازه‌دار	ابتدایی	شخصی
۲۰	ز.م	زن	۴۲	خیاط	دیپلم	شخصی
۲۱	الف.ب	مرد	۳۵	پیرایشگر	دیپلم	شخصی
۲۲	ر.ح	مرد	۴۳	فروشنده	دیپلم	شخصی
۲۳	ک.پ	مرد	۶۰	مشاور املاک	ابتدایی	شخصی
۲۴	ع.پ	مرد	۲۴	فروشنده	دیپلم	استیجاری
۲۵	الف.ل	مرد	۳۶	فروشنده	سیکل	استیجاری
۲۶	س.ق	مرد	۵۷	فروشنده	ابتدایی	شخصی
۲۷	الف.ع	مرد	۳۲	کارمند بانک	فوق لیسانس	شخصی
۲۸	الف.ح	مرد	۲۷	جوشکار	دیپلم	شخصی
۲۹	الف.ب	مرد	۳۶	فروشنده	دیپلم	استیجاری
۳۰	الف.ح	مرد	۵۶	بازنشسته	سیکل	شخصی
۳۱	الف.ح	مرد	۴۴	کارمند اداره	ابتدایی	شخصی
۳۲	الف.الف	مرد	۳۷	خراز	فوق دیپلم	شخصی
۳۳	س.الف	مرد	۲۵	تعمیرکار ماشین	سیکل	شخصی
۳۴	ج.م	مرد	۳۳	فروشنده	دیپلم	استیجاری
۳۵	الف.د	مرد	۴۳	کارمند	لیسانس	استیجاری
۳۶	الف.ن	مرد	۳۳	آتش‌نشان	فوق لیسانس	شخصی
۳۷	م.ف	مرد	۶۵	خیاط	ابتدایی	استیجاری
۳۸	ح.ح	مرد	۳۳	فروشنده	دیپلم	استیجاری
۳۹	م.ح	مرد	۳۴	فروشنده	دیپلم	استیجاری
۴۰	الف.و	مرد	۴۳	آزاد	سیکل	شخصی
۴۱	م.الف	مرد	۴۰	کارمند	دیپلم	استیجاری
۴۲	الف.ع	مرد	۴۲	خدمات کامپیوتری	فوق دیپلم	استیجاری
۴۳	الف.م	مرد	۲۵	میوه‌فروش سیار	سیکل	شخصی

روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته طراحی شده با اعضای نمونه است. همه مصاحبه‌ها با ضبط صوت، ثبت و سپس پیاده‌سازی شدند و با نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. کسب اجازه ضبط مصاحبه‌ها، رضایت آگاهانه، حفظ

محرمانگی اطلاعات، و تعهدات اخلاقی در همه مصاحبه‌ها مورد توجه بوده است. مدت مصاحبه‌ها از نیم ساعت تا یک ساعت بوده و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. محیط پژوهش نیز محیطی واقعی و طبیعی بوده است.

همچنین برای تضمین صحت و قابلیت اعتماد این پژوهش، از ملاک‌های اعتبارپذیری و قابلیت اطمینان استفاده شد که معیارهای جایگزین روایی و پایایی هستند (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). تماس با محیط پژوهش و مشاهده مستمر دو ابزار افزایش اعتبارپذیری پژوهش بودند. به این معنا نگارنده تلاش کرد از طریق تماس طولانی با محیط پژوهش (بیش از شش ماه) و تجربه زیسته با جامعه مورد مطالعه از صحت داده‌ها، یافته‌ها و نتایج پژوهش اطمینان حاصل کند. گاه جهت اطمینان بیشتر، برداشت نگارنده از صحبت‌ها و اطلاعات ارائه شده با مشارکت کنندگان کنترل می‌شد.

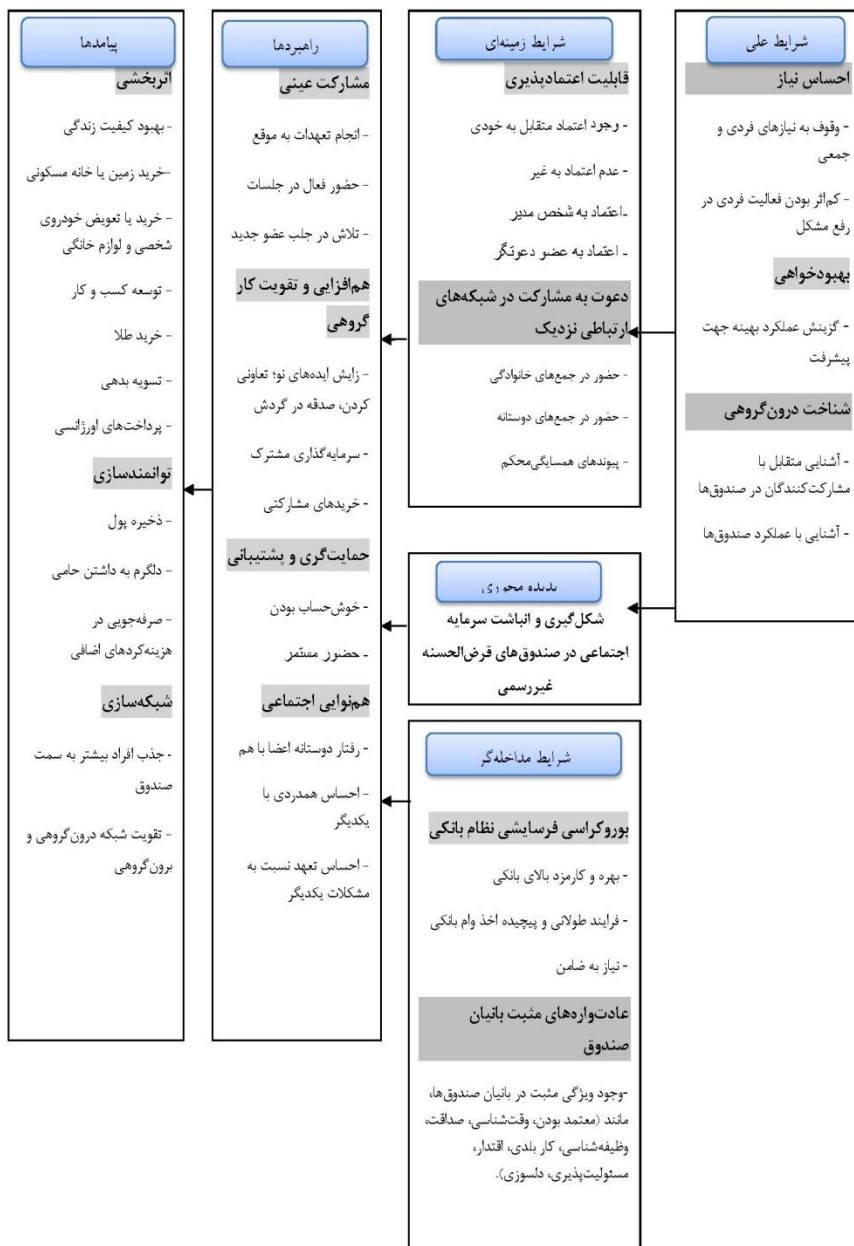
برای تحلیل داده‌های به دست آمده از روش کدگذاری استفاده شد و روابط میان مقوله‌های محوری با استفاده از مدل ذیل تحلیل شد.



شکل (۱): مدل پارادایمی استرواس و کرین (فلیک، ۱۹۹۸).

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر را با توجه به مدل روش‌شناختی استرواس و کرین به صورت ذیل می‌توان ترسیم کرد. در این مدل پدیده مرکزی انباشت سرمایه اجتماعی در صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی خانگی، بر اساس شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تحلیل شده است.



شکل (۲): مدل پارادایمی شرایط و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم سرمایه اجتماعی در

صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی و خانگی

احساس نیاز، بهبودخواهی، شناخت درون‌گروهی به عنوان شرایط علی شکل‌گیری صندوق

شرایط علی یا سبب‌ساز معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۳). در پژوهش حاضر سه عامل «احساس نیاز»، «بهبودخواهی» و «شناخت درون‌گروهی» به عنوان عوامل اصلی در گرایش به ایجاد صندوق قرض‌الحسنه خانوادگی شناسایی شده‌اند. افراد به دلیل نیاز به بهره‌گرفتن از کمک دیگران در راستای رفع نیازهای خود به این صندوق‌ها گرایش پیدا کرده‌اند. اعضا در چارچوب رویکردی عقلایی و با توجه به محدودیت تلاش‌های فردی در راستای رفع نیاز خود بهترین استراتژی را در ایجاد نهادهای جمعی عام‌المنفعه دیده‌اند. این رویکرد در قالب گزاره تأمین نفع همگانی در قالب تعاون و توافق‌های جمعی قابل خلاصه است. در تأیید این موضوع می‌توان نمونه گفته‌های مصاحبه‌شوندگان را بیان کرد:

«تو فامیل جمع شدیم به عنوان قرض‌الحسنه که کمک کنیم به همدیگه. با ۱۰۰ تومن شروع کردیم و اونجا قرعه‌کشی کردیم چون فامیل بودیم گفتیم با هم باشیم. اگه الان به یکی بگی فلان قدر پول بهم بده نمی‌ده به آدم» (خانم الف. ق. ۳۶ ساله).

«چند سال پیش بدجوری گیر بودم، ورشکسته بودم که از عراق برگشتم، اولدم مغازه بگیرم، یک قروم نداشتیم، همسایه‌ها از این وام‌ها می‌داشتن، دیدن من گیر و گور دارم، بدون نوبت برام پول جمع کردن و کارم راه افتاد، یه میلیون ریختن به حسابم و رفتم دادم رهن مغازه، بعد اون دیگه خودمم عضو شدم» (آقای م. ف. ۶۵ ساله).

«من قبلاً می‌گفتم چرا آدم باید پولشو بده به یکی نگه داره، اینجا پولت جمع میشه و خرج نمی‌کنی هیچ، یه خوبی دیگه هم داره، پولی که تو در نظر داری مثلاً شصت میلیونه، تو ماهی به میلیون می‌داری کنار شصت ماه باید بگذره تا بشه شصت میلیون، ممکنه تو ماه سوم یا پنجم در بیاد به سمت، پولت ارزشش میره بالا، یا جایی سرمایه‌گذاری می‌کنی، زمینی می‌خری» (آقای الف. م. ۲۵ ساله).

عامل دیگر، شناخت اعضا از همدیگر و اعتماد و اطمینان از عملکردهای فردی و کارویژه‌های مثبت صندوق است. این مؤلفه به واسطه مقایسه با نهادهای رسمی اخذ تسهیلات از جمله بانک‌ها امکان قضاوت و ارزیابی برای اعضا را فراهم می‌کند. چارچوب‌های

غیررسمی و حاکمیت ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی مثبت در بین مدیران، زمینه‌گرایش اعضا به عضویت در این صندوق‌ها را میسر کرده است. در واقع وجود شبکه‌های غیررسمی و مناسبات افقی میان مدیران و اعضا، مشوق افراد به عضویت در این صندوق‌ها است.

«مدیر آدم‌های مطمئنی هستند از هر لحاظ، از همسایه‌هام هستن. ما با کسی که نمی‌شناسیم پول نمی‌ذاریم، ولو اگه همسایه باشه... قبل رفتن به صندوق می‌دونستم که خودش خوش‌حسابه و خوش‌قوله، آدم معاشرتی و برو بیایی داره، همه میرن خونس و در میان، یا اون یکی مدیر مغازه‌داره همه میرن مغازش و در میان و میشناسنش» (خانم ر. الف. ۵۱ ساله).

«اگه با من باشه خیلی تبلیغ می‌کنم و به همه مشاوره میدم که بیان بچسبن به این وام. این سود نداره، من خودم از بانک وام مضاربه بیست و پنج میلیونی برداشتم، هجده درصد بهره اومد روش» (آقای س. ق. ۵۷ ساله).

بوروکراسی فرسایشی نظام بانکی و عادت واره های مثبت بانیان صندوق به عنوان

شرایط مداخله‌گر

شرایط دخیل آن‌هایی‌اند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند (استراوس و کورین، ۱۳۹۱: ۱۵۳). در پژوهش حاضر شرایط مداخله‌گر در قالب دو مؤلفه «بوروکراسی فرسایشی نظام بانکی» و «عادت‌واره‌های مثبت بانیان صندوق» خلاصه شده است. در مدل پارادایمی پژوهش حاضر، بوروکراسی فرسایشی و کژکارکردی نظام بانکی کشور را می‌توان یکی از عوامل مهمی دانست که روند حل مشکلات مردم را کند و گاهی مختل کرده است. برخی مصاحبه‌شوندگان مدعی هستند که نظام بانکی کشور به سختی به افرادی که دارای پایگاه اقتصادی متوسط و ضعیفی هستند، وام می‌دهد و برای همان میزان اندک نیز کارمزد بالایی دریافت می‌کند. کارمزد بالای وام‌های دریافتی منجر به بدهکار کردن بیش از پیش افراد شده و به اصطلاح فرایند «فقیر شدن فقرا» را تشدید کرده است. همچنین وجود ضامن برای دریافت وام بانکی یکی از شرایط دخیل در رو آوردن مردم به سمت یکدیگر جهت رفع مشکلات با مدد از شیوه برقراری صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی است.

«بانک به نظرم فقط به جور سیستم رباخواریه محضه. هیچ کاری انجام نمی‌ده. پونزده درصد سود می‌ده بابت سپرده‌گذاری، اما با هجده درصد کارمزد وام می‌ده، زنجیره‌ای داره سود

می‌کنه، سود در سود. پول سرمایه در گذشته و تو تولید هزینه همیشه و اونایی که میگیرن هم نمیرن سمت تولید و باهانش دلالتی می‌کنن و این خیلی بده» (آقای الف. ن. ۳۳ ساله).
«از یه نظر بنحای از بانک وام درخواست کنی کلی مراحل داره، سپرده‌گذاری داره، اینقدر زمان بره، اینجا اما هیچ داستانی نیست، مدارکم نمیخاد» (آقای الف. ح. ۵۶ ساله).
«من از بانک زیاد وام گرفتم، سودش زیاده و چیزی که بانک به ما می‌گه دروغه، کارمزداشو همیشه بیشتر میگیرن، دیرکرد و جریمه میگیرن، از هفت خان رستم باید رد شی تا وام بگیری، من خودم یه ده تومن می‌خواستم بگیرم، گفت گردش مالیت پایینه بهت نمیدیم، باید سی تومن بخوابونی، ده تومن بهت بدیم، بابا من سی تومن داشتم که ده تومن نمی‌خواستم» (آقای الف. ب. ۳۵ ساله).

«پارسال می‌خواستم وام ۲۰ میلیونی بردارم چون ضامن پیدا نکردم نتونستم بردارم، خیلی سخت می‌گیرن، انگار دارن میگن فقیر برو بمیر» (خانم ر.ع. ۶۲ ساله).
«گرفتن وام از بانک خیلی زحمت داره. میری جلو این و اون دهن باز می‌کنی تا ضامن پیدا کنی و این وسط همی بهت می‌گن وقت نداریم یا نمیتونیم ضامنت بشیم، اما من این وام‌ها رو راحت میدونم و بی‌منته. از بانک وام گرفتن هیچ فایده‌ای نداره، اگه آدم مجبور نمونه چرا باید از بانک وام بگیره؟» (خانم ف.ح. ۴۲ ساله).

حاکمیت خصلت‌های نیکو در بانیان و مدیران صندوق که در پژوهش حاضر به عنوان عادت‌واره‌ها تعریف شده است، یکی دیگر از مؤلفه‌های مداخله‌گر در تبیین و تفسیر شکل‌گیری و تداوم صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی است. حاکمیت ارزش‌های اعتمادآفرین مانند درستکاری، صداقت، وفای به عهد، انصاف و عدالت در هرم مدیریتی و در بین اعضای صندوق باعث بالا بودن اعتماد بین‌شخصی و اعتماد نهادی در اینگونه صندوق‌های قرض‌الحسنه شده است. مشارکت‌کنندگان صفات مثبت مدیر صندوق را ضامن سلامت صندوق می‌دانند. زنان معمولاً خوش‌قولی، خوش‌حسابی و اعتبار مدیر را ضامن اجرای درست قوانین گروه می‌دانند و در مراتب بعدی رابطه فامیلی، همسایگی، همکار و ضمانت‌های زبانی بین خود و مدیر را گواه عملکرد صحیح صندوق می‌دانند و مردان نیز عموماً داشتن روابط فامیلی، همسایگی با اعضا و مدیر، اعتماد به مدیر و در نهایت گرفتن سفته را ضامن اجرای درست تعهدات و قوانین صندوق می‌دانند.

«وقتی اعضا سر وقت پولو نمایان نکرده‌اند، البته چون این نخستگی نوعی خوبی در حق همسایه هست، این نخستگی رو قبول کردم. مدیر خیلی مسئولیت داره، باید سر وقت پول‌ها رو جمع کنه و سر وقت هم تحویل بده. دروغ نگره که از پولت کسر اومده و کمه تا اول کار خودشو راه بندازه تا بعد بده دست طرف، کسر نده و حقه‌بازی نکنه و صادق باشه. هر عضوی رو اگه واقعاً واجب بود در نظر بگیره، اگه اعضا حاضر به همکاری باشن رایزنی می‌کنم. من خیلی خواستم که دیگه مدیر نباشم، اما اعضا اجازه ندادن و گفتن ما به تو اعتماد داریم، رفت و آمد داریم و مسیر خونت هم خوبه، ما نمی‌خایم بری و منم مشتاق شدم که بمونم» (خانم ز. م. ۴۲ ساله_مدیر).

قابلیت اعتمادپذیری و دعوت به مشارکت در شبکه‌های ارتباطی به عنوان شرایط

زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط است که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌شوند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با تعاملات خود به آنها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای در شرایط علی و مداخله‌گر ریشه دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگونند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

در پژوهش حاضر «قابلیت اعتمادپذیری» و «دعوت به مشارکت در شبکه‌های ارتباطی نزدیک»، دو شرط اصلی زمینه‌ای هستند. مطالعات تجربی رفتار اعتمادی مبین آن است که اگر مردم احساس کنند با عضوی از گروه خود مواجه هستند، اعمال‌شان را بیشتر بر اساس اعتماد بنیان می‌نهند (جان فیلد، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر وجود اعتماد به خودی‌ها (شامل افراد خانواده، دوستان، همسایگان، افراد فامیل، همکاران، هم‌محله‌ای و آشنایان) موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شده است. در واقع اعتماد به یکدیگر رکن اول ورود به چنین صندوق‌هایی است.

«وقتی مدیر (برادرزاده شوهرم) بهم گفت نوعی قرض‌الحسنه بدون بهره است و دیدیم هیچ فرد غریبه‌ای تو گروه نیست، ما هم رفتیم» (خانم س. الف. ۲۵ ساله).

«همکارا گفتن پول جمع کنیم و قرعه‌کشی کنیم، احتیاج داشتیم و ترغیب شدم. چون همکاری و همه اعضا مال ادارن صد در صد اعتماد کردم» (آقای الف. د. ۴۳ ساله).

افراد عضو صندوق اعتماد زیادی به نهاد صندوق قرض‌الحسنه و کارکردهای آن دارند و سازوکار آن را در رفع نیازهای خود، کمک به دیگران و تأمین تسهیلات حلال، مؤثر و مثبت ارزیابی می‌کنند. در سطح اعتماد بین‌شخصی افراد عضو صندوق در سطوح متفاوت از مدیران و مجریان صندوق تا اعضای صندوق به همدیگر اعتماد دارند. اعتماد در بین دو گروه زنان و مردان بالاست. اعتماد در درجه اول در هرم مدیریتی به مدیر به علت ویژگی‌های مثبت اخلاقی از جمله خوش‌خلقی و خوش‌حسابی وی و سپس به دلیل تعلق داشتن مدیر و اعضای صندوق‌ها به شبکه درونی نزدیک به ترتیب اعضای فامیل، دوستان، همسایه و نزدیکان بوده است.

«تا هر وقت صندوقا پابجا بمونن منم هستم. مدیراش وظیفه‌شناسن و به خوبی از پولم مواظبت می‌کنن، از اولشم دلم روشن بود نسبت به این کار، آشناهام بودن و ترسی از خورده شدن پولم نداشتم» (خانم. ر. ۶۰ ساله).

«هرکس که یه کسی رو میاره مسئولیت اونو داره. من آگه پول ندم، داداشم باید به جای من پولو بده، یه ضوابط و روابطی هست که حداقل بخاطرش اون طرف پولشو بده» (آقای ع. پ. ۲۴ ساله).

در هر دو گروه زنان و مردان، میزان اعتماد در حدی بالا است که دریافت تسهیلات بر اساس چارچوب‌های رسمی و به واسطه ارائه ضمانت‌های رسمی از جمله سفته و چک میان مدیر و اعضا صورت نمی‌گیرد. تضمین اعتبار افراد به واسطه عضویت در درون شبکه‌ای از روابط نزدیک صورت می‌گیرد و آشنایی و غریبگی هم بر مبنای میزان ارتباط دور یا نزدیک تعریف می‌شود. در هر دو گروه فقط زمانی که عضو جدید، غریبه باشد و هیچ یک از اعضای سابق، اعتبار او را تضمین نکنند، از افراد سفته گرفته می‌شود یا در برخی صندوق‌ها به نحوه عملکرد افراد به لحاظ تسویه حساب و پرداخت به موقع اقساط تسهیلات توجه می‌گردد و برای جلوگیری از تکرار رفتار قواعدگریز از افراد مشمول، سفته دریافت می‌گردد. این قاعده استناب‌پذیر نیست و در ارتباط با فرد آشنا و غریبه به طور یکسان اعمال می‌شود. نکته قابل تأمل این است که صندوق‌های مذکور با اینکه دارای انعطاف لازم در جذب عضویت افراد هستند، اما به خاطر اهمیت داشتن تداوم فعالیت و حفظ کارکردهای مؤثر این نهاد غیررسمی در ارتباط با بدحسابی و قصور در تعهدات فردی، انعطاف لازم را ندارند و افراد عضو، قواعد حاکم بر این صندوق را به عنوان میثاق جمعی می‌پذیرند و خود را ملزم

به رعایت آن می‌دانند. قواعدی که برخاسته از اراده جمعی خود افراد بوده و افراد نقش و مشارکت فعالی در وضع این قواعد داشته‌اند.

«... ده تا این ور همسایه است، ده تا اون ور همسایه است، بیست تا همسایه آشنا و قدیمی هستیم که ثابت داریم زندگی می‌کنیم، یکی می‌بینی مثلاً از اون کوچه پشتی اومده، فقط از اون امضا و چک و کپی و مدارک، کپی فیش آب و برق و گاز و آدرس دقیق خونه رو می‌پرسن، علاوه بر مدارک، برا مثلاً پنجاه میلیون وام، صد میلیون چک و سفته میگیرن که اگه یه ماه نیابرد، اونارو بذارن اجرا با قانون برن جلو، که هیچ موقع هم همچین چیزی پیش نیومده» (آقای الف. م. ۲۵ ساله).

مشارکت فعال در محافل و دوره‌های اجتماعی (رسمی و غیررسمی) نیز زمینه‌ساز و سرعت‌بخش شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در صندوق‌ها است، اما در گروه مردان و زنان به ترتیب اولویت تفاوت‌هایی دیده می‌شود. مردان عموماً از طریق دعوت خانواده و فامیل و سپس از طریق دعوت همسایه (چه در محل کار و چه در محل زندگی) مایل به حضور در صندوق‌ها بودند و زنان عموماً با دعوت همسایه‌ها (چه در محل کار و چه در محل زندگی) و سپس با دعوت افراد خانواده و فامیل مایل به حضور در صندوق‌ها بوده‌اند.

«... من اعتماد به خواهرم داشتم که به صندوقم اعتماد کردم» (آقای ج. م. ۳۳ ساله).

«طرفی که منو برده تو صندوق همسایه، من جای دیگه نمیذارم خودش عضوه و هم معتمد» (خانم ر. الف. ۳۴ ساله).

مشارکت، کارگروهی، حمایت‌گری و هم‌نوایی اجتماعی به مثابه راهبردها

تاکتیک‌های راهبردی یا همان رفتارهای عادی، چیزهایی هستند که مردم و سازمان‌ها و جوامع انجام می‌دهند یا می‌گویند. تعامل‌های راهبردی، کنش‌های عمدی هستند که برای حل یک صورت مسئله انجام می‌شوند و با صورت گرفتن آن‌ها پدیده شکل می‌گیرد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۵). راهبردهایی را که منجر به شکل‌گیری، تقویت سرمایه اجتماعی و تداوم فعالیت صندوق شده است، می‌توان در چهار دسته یعنی «مشارکت عینی»، «هم‌افزایی و تقویت کار گروهی»، «حمایت‌گری و پشتیبانی» و «هم‌نوایی اجتماعی» دسته‌بندی کرد.

مشارکت کردن به معنی سهم در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت کردن و با آن همکاری داشتن است (کماسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۸). می‌توان جوهره اصلی مشارکت

را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵). مشارکت می تواند در دو سطح مطرح باشد: بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت است که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه ساز در افراد ایجاد می شود و بعد عینی و رفتاری که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری بروز می کند (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۷). باید در نظر داشت که هر چه قدر شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز زیاد خواهد بود و به تبع آن، میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت. نتایج حاصل از مصاحبه با افراد مورد مطالعه گویای این است که در صندوق های مربوط، ایده ها و رفتارهایی شکل گرفته اند که فراتر از اهداف اولیه بوده و موجب تقویت همکاری هر چه بیشتر اعضا با یکدیگر شده است، مثلاً با پول جمع شده در مراحل اولیه قبل از قرعه کشی، خریدهایی انجام می شد که تهیه آنها به صورت فردی پرهزینه بود و بعد از خرید گروهی و تقسیم بندی آنها میان اعضا، هزینه های خرید پایین می آمد. در واقع به ازای هر صندوق می توان نوآوری هایی نیز مشاهده کرد که موجب تقویت و تداوم سرمایه اجتماعی در آن صندوق می شود.

«قبل از هر دوره، پول جمع می کنیم اندازه چند صد تن برنج می گیم برامون از شمال میارن، تناژ بالا می خریم، کرایه حمل واسه یه بار حساب میشه و چون تناژ بالا خریدیم، تخفیفم می گیریم، مدیر میاد نسبت به سهم هر کی برانش برنجشو میداره کنار» (آقای الف. و. ۴۳ ساله).

«من خودم پیشنهاد دادم بیاید حالا که پول دستمون هست، همین پولای صدقه و اینا، ثواب صدقه هم هجده برابره، بیا این پولو بذار وسط، برا من که هنوز حقوقمو نگرفتم و ممکنه تا ده روز دیگه هم نگیرم، اونیه که اسمش در اومده، گنااهش چیه؟! اون پولی که گذاشتیم وسط جبران کنه این پولو. اون پول در گردش، کار یارو راه بیافته، حالا اون هر وقت حقوقشو گرفت، دوباره شارژ می کنیم این پولو» (آقای الف. الف. ۳۷ ساله).

یافته های پژوهش حاضر در ارتباط با میزان مشارکت افراد در تشکیل، حفظ و تداوم فعالیت صندوق ها گویای این است که متغیر جنس شاخص کلیدی در تبیین تفاوت ها است. در ارتباط با این مؤلفه و در هر دو سطح عینی و ذهنی تفاوت بارزی بین زنان و مردان وجود دارد. به نظر می رسد در بین آقایان مقوله مشارکت در پیوند با انجام تعهدات و مسئولیت های فردی تعریف می شود و دایره مشارکت محدود به ایفای وظیفه با جهت گیری منافع فردی است

و مشارکت خارج از وظایف و مسئولیت‌های فردی با چشم‌انداز و جهت‌گیری جمعی و منافع جمعی تعریف نمی‌شود.

«چون به درد خودمو و امثال خودم میخورم، سعی می‌کنم بمونه، همین که سر موقع پولو میدم، فک می‌کنم به تلاش خوبیه» (آقای الف. ح. ۲۷ ساله).

«... تا حالا نه کسی رو ترغیب کردم، نه تشویق. نه گفتمم شریک بشو و نه گفتمم شریک نشو. دوس ندارم خودمو بندازم تو دردسر. ممکنه آقایون سر قرعه‌کشی دعواشون بشه، اما خانوما با هم کنار میان» (آقای الف. ع. ۴۲ ساله).

به لحاظ مشارکت در برنامه‌ها و فعالیت‌های صندوق، زنان از مردان فعال‌تر بودند و نسبت به مردان برای حفظ صندوق تلاش بیشتری داشتند و به طور منظم‌تری در جلسات شرکت می‌کردند. مردان عموماً انجام تعهدات جاری از جمله خوش‌حساب بودن را مناسب‌ترین شکل همکاری و آن را نوعی همکاری متعهدانه و بیانگر مشارکت بالا می‌دانند و در مرحله بعدی اعلام آمادگی جهت حضور در دوره‌های بعدی و جابجایی نوبت خود با اعضای نیازمند دوره را برای حفظ و تداوم صندوق‌ها نشان‌دهنده میزان مشارکت خود در صندوق می‌دانند. مردان علاقه‌چندانی به جلب و جذب عضو جدید برای صندوق ندارند و در ارتباط با عضوگیری، رویکرد انفعالی و محافظه‌کارانه دارند. در این زمینه حاضر به پذیرش ریسک به ویژه در ارتباط با معرفی فرد جدید و احیاناً بدحساب شدن ایشان در آینده یا احساس مسئولیت در ارتباط با عضو جدید و احیاناً عدم انتظارات پیش‌بینی‌شده برای فرد از جانب صندوق نیستند.

زنان معمولاً تلاش برای افزایش عضو در صندوق را مناسب‌ترین شکل همکاری با صندوق می‌دانند و اولویت مشارکت زنان در اعلام آمادگی جهت حضور و مدیریت صندوق در دوره‌های بعدی و انجام فعالیت‌های تبلیغاتی غیررسمی در جذب عضو جهت حفظ و تداوم فعالیت صندوق و در نهایت انجام تعهدات جاری از جمله خوش‌حساب بودن را نشانه‌های مشارکت خود در صندوق می‌دانند.

«اگه بدونم کسی نیاز داره حتماً این وام‌ها رو معرفی می‌کنم. مثلاً من به بعضی از اطرافیان نزدیکم نگفتم که تو این صندوق‌ها عضوم، چون دستشون به دهنشون می‌رسه و می‌دونم که خیلیا اهل این برنامه‌ها نیستن. اما اگه بدونم که کسی نیاز داره و این جور چیزا به دردش می‌خوره حتماً بهش معرفی می‌کنم» (خانم ر.ع. ۴۲ ساله).

از حیث میزان آگاهی افراد از برنامه های صندوق هم یافته ها بیانگر تفاوت بین دو گروه زنان و مردان است. تقریباً تمام زنان از برنامه های صندوق مطلع بودند، اما مردان به دلایل متعدد از جمله عدم حضور فعال و مشغله های کاری عموماً از برنامه های صندوق بی اطلاع بودند. یافته های حاصل از پژوهش درباره هم نوایی اجتماعی گویای این است که هم نوایی اجتماعی یکی از پیامدهای شکل گیری صندوق ها بوده است. در صندوق های مورد بررسی هم نوایی اجتماعی را می توان در رفتار دوستانه اعضا با همدیگر، احساس همدردی با یکدیگر و احساس تعهد نسبت به مشکلات یکدیگر مشاهده کرد. برای بررسی کیفیت هم نوایی اجتماعی و دیگریاری در این صندوق ها از افراد سؤال شد که چه میزان به افراد نیازمند اضطراری کمک می کنند. اصطلاح نیازمند اضطراری به این دلیل مورد استفاده قرار گرفت که فرد مورد نظر در حالت عادی ممکن است به لحاظ تعلقات طبقاتی و موقعیت اقتصادی مشمول گروه نیازمند در معنای مصطلح نباشد، اما تحت شرایط خاصی و در موقعیت های ویژه ای ممکن است بیشتر از دیگران به دریافت تسهیلات مالی نیاز داشته باشد. یافته های حاصل از مصاحبه نشان می دهد که روحیه دیگریاری خردمندانه و اندیشیده شده در این صندوق ها حاکم است. به این معنا که حاکمیت این روحیه در چارچوب چشم اندازی آینده نگرانه و با هدف به تعلیق انداختن حق کنونی خود به آینده با هدف جلب کمک دیگران به فرد و جبران تعلیق کنونی در آینده در صورت نیاز مبرم فرد صورت می گیرد. بدین ترتیب تعلیق در آوردن حق کنونی به معنای از خودگذشتگی کامل نیست و یکی از دلایل تداوم این صندوق ها، حاکمیت همین روحیه است. حاکمیت الگویی از عقلانیت که نفع های فردی را به همدیگر گره زده و به تعلیق در آوردن نفع آنی زودگذر را به نفع دیگری و نفع اجتماعی بلندمدت ترجیح داده است، به گونه ای که در نهایت همه اعضا از به تعلیق در آوردن منافع فردی کوتاه مدت و در عین حال به دست آوردن نفع فردی درازمدت احساس رضایت دارند. اکثر اعضای صندوق ها حداقل یک بار جایجایی نوبت را تجربه کرده اند.

«... بین یه جمع دوستانست و بعضی وقتا اونایی که احتیاج دارن حرف میزنن جاهاشون جایجا میشه و تو مواقع نیاز خیلی به داشنون رسیده، مثلاً برام پیش اومد که قشنگ از همه جا رونده و مونده بودم و اینجا حرف زدن تایمش جایجا شد و یه باری از دوش برداشته شد، به نظر من که خیلی مفیده واقعاً» (خانمش. ح. ۲۷. ساله).

میزان رضایت اعضا از عملکرد صندوق هم یکی دیگر از مؤلفه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر بود. هر دو جنس زن و مرد از عضویت در صندوق رضایت درونی زیادی داشتند که علت این رضایت درونی در بین مردان، حاکمیت روحیه تعاون و همیاری بین اعضا، صمیمیت میان اعضا و هم‌گروهی‌ها، عملکرد مثبت مدیر و مزیت نسبی صندوق نسبت به بانک‌ها بیان می‌شود و در بین زنان امکان پس‌انداز کردن و استفاده از آن در آینده و احساس امنیت ناشی از پس‌انداز کردن و رضایت از عملکرد مدیر وظیفه شناس، خوش‌حساب و کارآمد از علل رضایت درونی آنها از صندوق است.

«بانک چک برگشت میزنه آبروتو میبره، بانک از حال و روز آدم باخبر نیست که، اما اینجا از حال و روز آدم باخبرن، تو میگی من سه قسطو ندادم، میگه اشکال نداره هر وقت داشتی بیار تمام قسطاتو به جا بده من به جای تو پول میدارم» (آقای الف. ع. ۳۲ ساله).

«وقتی کسی خوش‌حسابه اما میدونم که بعضی ماه‌ها پول دستش نیست خودم هدایتش می‌کنم و میگم تو نگران نباش سه روز پنج روز دیر کردنت اشکالی نداره و خودم پول میدارم به جای اون، حتی شده به جای طرف پول گذاشتم و گفتم: پولت که دراومد مثلاً ۵ ماه بعد، تو اون موقع با پول اون کم کم اقساطت رو بیار پرداخت کن» (خانم ل. الف. ۴۴ سال- مدیر-).

اثربخشی، توانمندسازی و شبکه‌سازی به مثابه پیامدها

«اثربخشی»، «توانمندسازی» و «شبکه‌سازی» از جمله مهم‌ترین نتایج و پیامدهای شکل‌گیری و تداوم سرمایه اجتماعی در صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی و خانگی است.

صندوق‌های قرض‌الحسنه کارویژه‌های متعددی دارند. از جمله کارکردهای صندوق، رفع نیازهای ضروری تا نیازهای ثانویه اعضای صندوق و کمک به عضو جهت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای آینده است. در هر دو گروه زنان و مردان، نزدیک به ۷۰ درصد اعضا نیازهای خود مانند پرداخت بدهی، تهیه جهیزیه، خرید خانه، انجام اعمال جراحی و درمانی و هزینه‌های ناخواسته و پیش‌بینی نشده را با پول صندوق رفع کرده‌اند. همچنین در مرحله بعدی با پول صندوق برای خود وسایلی خریده‌اند که نبود آن در خانه خلأ ایجاد می‌کرده، اما در حد مشکل نبوده است، مانند خرید فرش، مبل، تلویزیون LED، دستگاه سبزی خردکنی و امثالهم.

اعضای مشارکت کننده، کمک صندوق را با دو سازوکار توضیح می دهند. اول سازوکار ذخیره پول و دوم سازوکار وجود محلی برای اخذ وام که نزدیک به مفهوم بازار پول و یکسبل در اقتصاد است.

در حالت کلی قابلیت پس انداز کردن پول افراد توسط صندوق و آموزش غیرمستقیم پس انداز و صرفه جویی در هزینه کردهای اضافی، یکی از سازوکارهای قدرتمند شدن افراد در مواجهه با مسائل زندگی است.

«... خودم نتونستم جمع کنم، اما اینجا انگار به کسی بدهکاری و مجبوری که پول رو جور کنی، اگه دست خودم باشه میگم واجب که نیست حالا بذار بدم به یه وسیله دیگه بعداً وقت واسه جمع کردن هستش. ولی از اول می دونستم که این وامها کارایی دارن و همونم شد» (خانم ر.ب. ۴۰ ساله).

«ماها نمی تونیم پول جمع کنیم، ما تا سرمون چوب تر نباشه، فرمان نبرد گاو نر. هر وقت ندا میدن که می خایم وام بذاریم، من سریع شرکت می کنم. حقوقم نمیرسه والا دویست تا شرکت می کردم» (آقای ک.ب. ۶۰ ساله).

«... هر چیزی که می خایم بخریم بر مبنای اینکه همچین پولی هست می خریم» (خانم

س.ب. ۵۵ ساله).

در هر دو گروه زنان و مردان، صندوق با چند قابلیت توانسته مشکلات اعضا را حل کند، به طور مستقیم توسط پولی که افراد در نوبت خود دریافت کرده اند/ به طور مستقیم و با همیاری و ایجاد تعاون بین افراد که به مدد آن، افراد نیازمند و دارای مشکل، جای خود را با سایرین تعویض و مشکل خود را حل کرده اند/ به طور غیرمستقیم و توسط قابلیت پس انداز کردن پول برای شرکت در صندوق/ به طور غیرمستقیم از طریق صرفه جویی در هزینه کردهای اضافی و تأمین پول مورد نیاز برای شرکت در صندوق که مانع از مصارف و هزینه های بیهوده می شود. قابلیت پس انداز کردن پول را می توان در جهتی دیگر خاصیت ملزم کنندگی صندوق ها در پس انداز کردن پول و جلوگیری از مصرف زود هنگام آن دانست. اعضا اذعان دارند که اگر پول در دست خودشان یا در بانک باشد، آن را خرج خواهند کرد_ ویژگی کشورهای در حال توسعه با درآمد سرانه پایین، میل بالای افراد به مصرف و کاهش پس انداز است_ به نظر می رسد این صندوق ها توانستند سرعت این امر را کاهش دهند. آن ها همچنین معتقدند که اگر این صندوق ها

وجود نداشتند، آن‌ها الزامی به جمع کردن پول نداشتند، اما با حضور در صندوق، همراه این الزام وجود دارد که پول تعیین‌شده را به هر طریق ممکن به دست مدیر برسانند.

«حساب و کتاب داری که باید سر ماه این پولو واریز کنی، پس ولخرجی موقوف میشه از به بابت، از به بابت دلگرمی داری که اگه فردا به به مشکلی برخورد کردی یا به پول نیاز داشتی روی این وام حساب کنی، خب به پس‌انداز خوبی، من خودم واقعاً حقوقمو ولخرجی می‌کردم، اصلاً پس‌اندازی نداشتم» (خانم الف. س. ۳۰ ساله).

مردان معمولاً با پول به دست آمده از مشارکت در صندوق، اقدام به خرید زمین یا خانه مسکونی / خرید یا تعویض خودروی شخصی و لوازم خانگی و در مرتبه بعدی صرف توسعه کسب و کار خود کرده‌اند، اما زنان مشارکت‌کننده در صندوق، عموماً از پول صندوق برای پرداخت بدهی و سررسید قسط وام‌های بانکی (اعم از وام ازدواج فرزندان، وام ساخت خانه مشترک، وام برای توسعه کسب و کار) / خرید لوازم خانگی و خرید طلا استفاده کرده و در مرتبه بعدی صرف هزینه‌های جاری مانند خرید پوشاک و خوراکی کرده‌اند.

«گفتم می‌خایم زمین بگیریم، اون موقع صد مترش ده میلیون بود، می‌خواستیم شراکتی زمین بخریم و بسازیم، سومین نفرم در اومدم و زمینو خریدم» (آقای الف. ل. ۳۶ ساله).
«به بار جنسای مغازه خودم ته کشیده بود و هیچی نداشتم، با این پول دوباره مغازه رو پر کردم» (آقای الف. ع. ۴۲ ساله).

«شاید از پول اون وام به کم بردارم واسه خودم لباس اینا بخرم، اما بیشتر مبلغو طلا گرفتم برای استفاده خودم، یک و دو سالم هست که گذاشتم تو بورس» (خانم ف. س. ۲۹ ساله).

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر فهم فرایند شکل‌گیری و تداوم سرمایه اجتماعی در صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی و خانگی بود که برای فهم این فرایند تلاش گردید با استفاده از نظر اعضای صندوق‌ها، داده‌های دست اول و مبتنی بر نگرش و عمل زیسته کنشگران درگیر در این صندوق‌ها استخراج گردد. مطالعات پیشین در مورد سرمایه اجتماعی در ایران معمولاً با پیش‌فرض‌های موجود در دیدگاه‌های نظری، میزان سرمایه اجتماعی در بنگاه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را می‌سنجند، اما در پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد، مدل پارادایمی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی

و خانگی استخراج گردید. نتایج نشان‌دهنده چهارده متغیر محوری در یک مدل پارادایمی پنج عاملی متشکل از پدیده محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها بود.

در این پژوهش ابعاد مفهومی سرمایه اجتماعی هم در بعد ساختاری و هنجاری و هم در بعد شناختی به عنوان مؤلفه کلیدی شکل‌گیری و تداوم فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی مورد بررسی قرار گرفت. در پاسخ به سؤالات پژوهش، داده‌های حاصل از پژوهش نشان داد که نهادهای غیررسمی از جمله صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی به دلیل کارکردها و ساختارهای متفاوت خود حاصل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی اعضا هستند و با ایفای کارکردهای مؤثر نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در اجتماعات محلی دارند. این صندوق‌ها عموماً با محوریت زنان تشکیل شده است و عموماً زنان مدیریت این صندوق‌ها را برعهده دارند. مجموع شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای شکل‌گیری این صندوق‌ها در ارتباط با مقوله جنسیت (مرد/ زن) قابل تبیین و تفسیر است و نقش متغیر جنسیت در این زمینه گویا است و با نتایج پژوهش‌های دیگر از جمله پژوهش ناطق پور و فیروزآبادی (۱۳۸۴) همسو است. نظام بانکی رسمی به دلیل ساختار و کارکرد رسمی و اداری خود، محدودیت‌هایی را در ارائه خدمات به افراد به ویژه به زنان فاقد پشتوانه و ضمانت‌نامه‌های رسمی بانکی از جمله چک و سفته اعمال می‌کند، در نتیجه تمایل به شکل دادن و ایجاد این صندوق‌ها سازوکار جمعی خردمندان در راستای پاسخ به نیازهای خود است. به لحاظ شرایط زمینه‌ای، اعتماد افراد به این صندوق‌ها و تمایل آنها به مشارکت در ایجاد، حفظ و توسعه این صندوق‌ها عنصر مؤثر در تبیین شکل‌گیری و تداوم این صندوق‌ها است. در این زمینه متغیر جنسیت نیز گویا است و شرایط توضیح‌دهندگی دارد. زنان روحیه و امکان مشارکت بیشتری را در فعالیتهای عام‌المنفعه دارند و نتایج تحقیقات و پژوهش‌های دیگر نیز این ادعا را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر روحیه مشارکت‌پذیری زنان در فعالیتهای جمعی شرایط زمینه‌ای متناسب را برای شکل‌گیری و تداوم صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی فراهم کرده است. در نتیجه ایجاد صندوق‌هایی که بتوانند در راستای پاسخ به نیاز افراد به ویژه زنان شکل گرفته و دارای پیامدهای مؤثری در رفع مشکلات و نیازهای زنان، توانمندسازی آنها و شبکه‌سازی حمایتی و ارتباطی باشند، ضروری بوده است. در شرایط اقتصادی کشور،

امن‌ترین، آسان‌ترین و کوتاه‌ترین راه جهت رفع مشکلات مالی، سرمایه‌گذاری بر شبکه‌های ارتباطی و تعاملات نزدیک است و افراد با استفاده از منابع حاصل از تشکیل گروه و سرمایه اجتماعی موجود در آن بر مشکلات خود فائق آمده و در رفع نیازهای خود گامی به جلو را تجربه کرده‌اند. بدین ترتیب در پاسخ به سؤالات پژوهش حاضر می‌توان گفت که هسته محوری شکل‌گیری، تداوم و سازوکارهای مدیریتی نهادهای غیررسمی از جمله صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی با تکیه بر خصیصه خودیاری و دگریاری بر سرمایه اجتماعی با عاملیت زنان است.

نتایج به دست آمده از این تحقیق با یافته‌های باقری و همکاران (۱۳۹۷)، فیروزآبادی و نصراللهی وسطی (۱۳۹۳)، میرزائی (۱۳۸۸)، علیرضائزاد و حایری (۱۳۹۰) در حوزه تحقیقات داخلی و یافته‌های ساتیاباما (۲۰۱۰)، hume & mosley (۱۹۹۶)، Reed & David (۱۹۹۴) در تحقیقات خارجی، مبنی بر افزایش رضایت، مشارکت و توانمندی زنان، بهبود وضعیت اقتصادی و تخفیف شرایط فقر و نیازمندی، حفظ و تداوم کار گروهی و افزایش اعتماد متقابل، رفع مشکلات فردی و خانوادگی، همخوانی دارد.

براساس نتایج مطالعه حاضر می‌توان موارد ذیل را به عنوان پیشنهادات پژوهشی و کاربردی ارائه کرد:

- صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی در ایران قدمت و پیشینه تاریخی طولانی دارد و در قلمرو سرزمینی ایران با تنوعی از اشکال فرهنگی و تمدنی دارای کارکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. اما پژوهش‌های پیشین در این زمینه به اندازه تنوع و گستردگی آن در پهنه جغرافیایی ایران نیست. از این جهت پژوهش‌های جدید می‌تواند زوایا و ابعاد جدیدی از این پدیده را به عنوان پدیده اجتماعی تام و حک شده در شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و محیطی نشان دهد. از این جهت پژوهش‌های جدید در این زمینه پیشنهاد می‌شود.
- صندوق‌های قرض‌الحسنه دارای ساختاری غیررسمی و محل انباشت سرمایه اجتماعی است. این الگو می‌تواند به عنوان الگویی موفق در ایجاد و تداوم سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و با حمایت از این صندوق‌ها به عنوان الگویی در راستای حل مشکلات مردم در سطح خرد مورد توجه قرار گیرد.

- عاملیت زنان در شکل‌گیری، تداوم و کارکرد موفق این صندوق‌ها بسیار برجسته است. بدین ترتیب می‌تواند گویای توانمندی زنان در سیاست‌گذاری‌های مربوط به توسعه به ویژه در ارتباط با کاهش فقر، چگونگی توانمندسازی جامعه محلی، چگونگی جلب مشارکت محلی و ظرفیت‌سازی اجتماع محلی باشد.
 - نتایج این پژوهش نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم فعالیت نهادها و تشکل‌های غیررسمی دارد و در ارتباط با هر گونه سیاست‌گذاری در زمینه سرمایه اجتماعی، ساختار، کارکرد و نحوه ارتباطات و تعاملات حاکم در این گونه نهادها می‌تواند به عنوان الگو مورد توجه قرار گیرد.
 - بررسی و مطالعه این گونه نهادها می‌تواند الگویی بومی از سازمان‌یابی و تشکل‌یابی جامعه را بر حسب شرایط و مقتضیات فرهنگی و توسعه‌ای فراهم کند و از ظرفیت آنها در حل مسائل و جامعه استفاده نماید.
- نویسندگان مقاله مراتب قدردانی و سپاس خود را از حسن همکاری آقای حسن منطق در جهت کمک به تحلیل داده‌ها در نرم افزار MAXQDA اعلام می‌نمایند.

منابع

- استراوس. آنسلم، کربین. جولیت (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی.
- باقری. رحمان، چنانی نسب. حسن، گل زاده. مهریار، سوری. حسین (۱۳۹۷). شناسایی صندوق‌های وام دهی غیررسمی و کارآمدی آنها در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی دهستان تنگ سیاب-شهرستان کوه دشت). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی. (۷) ۲۰۹-۲۳۱.
- پاتنام. رابرت (۱۹۹۳). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمدتقی دلفروز (۱۳۸۰). تهران: روزنامه سلام.
- پیران. پرویز (۱۳۹۲). مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی. تهران: علم.
- تاجبخش. کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه). ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.

حسینی. محسن (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی و توسعه: مفاهیم، انتقادات و مجموعه خلاصه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

علوی‌تبار. علیرضا (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران). تهران: سازمان شهرداری‌ها.

علیرضائزاد. سهیلا (۱۳۹۲). گونه‌شناسی صندوق‌های قرض‌الحسنه و توانمندی زنان: مدل سنتی اعتبارات خرد در ایران. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. (۱۸)۲. ۱۰۳-۹۱.

-----، حایری. شهلا (۱۳۹۰). پول، جنسیت و توسعه (مطالعه موردی صندوق‌های اعتبارات خرد زنان زنیوردار رامه). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. (۱)۷. ۲۳۱-۱۹۱.

فلیک. اووه (۱۹۹۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی (۱۳۸۷). تهران: نی. فیروزآبادی. سید احمد، نصراللهی وسطی. لیلیا (۱۳۹۳). بررسی رابطه میان اعتماد اجتماعی و روحیه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان شیروان از توابع شهرستان بروجرد). فصلنامه پژوهش‌های روستایی. (۵)۱. ۴۴-۲۵.

فیلد. جان (۲۰۰۲). سرمایه اجتماعی. ترجمه جلال متقی (۱۳۸۵). تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

کلمن. جیمز (۱۳۸۴). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی. چاپ شده در کیان تاجبخش. سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه). ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.

کماسی. حسین، قادرمرزی. حامد، چراغی. رامین، ترکاشوند. هادی (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی سرمایه اجتماعی بین زنان و مردان جهت برنامه‌ریزی مشارکتی مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر سنقر). فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی. (۱)۳. ۵۳-۴۳. مصطفوی. سید محمدحسن (۱۳۸۷). عوامل تاثیرگذار بر سطح سرمایه اجتماعی و راهکارهای ارتقای آن. ماهنامه مهندسی فرهنگی. (۳)۳. ۳۱-۱۰.

موسوی. میرطاهر (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. (۶)۲۳. ۹۲-۶۷.

میرزائی. رحمت (۱۳۸۸). بررسی صندوق قرض‌الحسنه مردمی احسان (طایفه ندری) شهرستان جوازورد. مجله تعاون. (۲۰۹)۲۰. ۱۱۷-۹۹.

ناطق‌پور. محمدجواد، فیروزآبادی. سیداحمد (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران. ۴(۶). ۵۹-۹۱.

- Carter. M. R. (1989). **The Impact of Credit on Peasant Productivity and Differentiation in Nicaragua**. Journal of Development Economics. 31-36.
- Hossain. M. (1988). **Credit for Alleviation of Rural Poverty: The Grameen Bank in Bangladesh**. Report No.65: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Hume. D., Mosley. P. (1996). **Finance against Poverty**. London: Routledge.
- Khandker. S., Samad. R.A.H., Khan. Z.H. (1998). **Income and Employment Effects of Micro-Credit Programs: Village-Level Evidence from Bangladesh**. The Journal of Development Studies. 96-124.
- Lincoln.Y.S., E.G. Guba (1985). **Naturalistic Inquiry**. Thousand Oaks, CA: Sage. P. 124.
- Reed. L. R., David. B. (1994). **Transformation Lending: Helping Microenterprise Become Small Business**. In: M. Otero, E. Rhyne (Eds.). The New World of Microenterprise Finance West Hartford. CT: Kumarian Press. Pp. 25-43.
- Satiabama. K. (2010). **Rural women Empowerment and Entrepreneurship Development**. Research Scholar. Development of political Science and Development Administration. Ganhighram Rural Institute. Din Digul District.